



تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام؛ (مطالعه
ایپیدارشناختی)

پدیدآورنده (ها) : ایمان زاده، علی؛ محمدزاده، صدیقه؛ علیپور، سربیه
علوم اجتماعی :: نشریه زن در فرهنگ و هنر :: زمستان ۶۹۳۱، دوره نهم - شماره ۴ (علمی-
پژوهشی)CSI/از ۱۴۵ تا ۵۶۰ آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۳۱۶۹۲۸>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶: ۵۴۱-۵۶۰

DOI: ۱۰,۲۲۰۵۹/jwica.۲۰۱۷,۲۳۳۹۸۶,۸۷۷

تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام

(مطالعه‌ی پدیدارشناختی)

علی ایمان زاده^{۱*}، صدیقه محمدزاده^۲، سریه

علیپور^۳ چکیده

با تغییر سبک زندگی افراد و عوامل مؤثر بر آن، گرایش به ازدواج نکردن یا تأخیر در آن یکی از مسائل اساسی‌جوامع امروزی است. این امر در دانشجویان تحصیلات تکمیلی با فراوانی بیشتری مشاهده می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام است. پژوهش حاضر به روش کیفی و پدیدارشناسی و نمونه‌گیری هدفمند و از طریق مصاحبه ژرف نگر با ۲۲ نفر از دخترانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند انجام گرفت. مصاحبه‌ها ضبط و به روش استرابت و کارپنتر تجزیه و تحلیل شدند. از تجربیات این افراد پنج مضمون اصلی: اقتصاد، تحصیلات، فرهنگ، فضای مجازی و عواقب و پیامدها به دست آمد که از مضامین فرعی آنها می‌توان به نقش مسائل اقتصادی، باورها و سنتهای غلط اجتماعی و گسترش فضاهای مجازی در گسترش ازدواج دیرهنگام اشاره کرد که برای این افراد پیامدهایی نظیر افسردگی، وانهادگی، اضطراب‌بتهایی و خودتحقیری را به دنبال داشته است. می‌توان با اتخاذ راهکارهایی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی بر این پدیده روزافزون غالب شد.

کلیدواژگان

ازدواج دیرهنگام، پدیدارشناختی، تجربیات زیسته، دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

aliianzadeh@tabrizu.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز

۲. کارشناسی ارشد گ روه آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه تبریز
safa_sahand@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد گ روه آموزش و بهسازی منابع انسانی، دانشگاه تبریز
aliiiman۱۳۰۶@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۷

ازدواج الگوی اجتماعی پذیرفته شده ای است که در آن دو یا تعداد بیشتری از اشخاص، یک خانواده را پایه ریزی و ایجاد می کنند تا به حقیقت ازدواج، که رسیدن به آرامش و خوشبختی است، دست یابند [۵]. از دیدگاه جامعه شناسی، ازدواج قراردادی اجتماعی و ضامن

بقای نسل انسانی است و آرامش و امنیت در یک جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامش بخش خانواده است. از دیدگاه روانشناسی، ازدواج یکی از ترکیب های بالای روانی را دربر می گیرد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعه های انسانی و بیماری ها متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش این ضایعات حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می تواند از اشاعه فساد و فحشا و رفتارهای ناپسند و عنانگسیختگی غرایز جنسی جلوگیری کند [۱۲].

در دهه های اخیر، دختران با انبوهی از پدیده های نوظهور، که اغلب پی آمد مدرنیته و جهانی شدن است، مانند دستیابی به تحصیلات عالی، دگرگونی روابط میان نسلها و جنسیتها، ظهور فرصتها و آرزوهای جدید برای انتخاب شریک زندگی، نغ بیارات در قوانین ازدواج و طلاق، دادن حقوق جدید به زنان، افزایش درخور ملاحظه نرخ طلاق و درنهایت ورود و مشارکت زنان در بازار کار روبه رو شده اند [۱۴] و در سایه این تحولات در دهه های اخیر، تغییر در الگوهای ازدواج، بیرغبندی به ازدواج و ازدواج در سنین بالا یا ازدواج نکردن، به طور کلی، افزایش چشمگیری داشته است. با توجه به فرهنگ دینی و سنتی حاکم بر جامعه ایرانی و ضرورت حاکمیت تفکر و سبک زندگی اسلامی، که ازدواج را به منزله ارزشی دینی در نظر میگیرد، یکی از پدیده های کهنه تازگی جامعه ایران با آن مواجه است تغییر در سن ازدواج دختران ایرانی است.

نظریه های متفاوتی در باب ازدواج دیرهنگام ارائه شده است:

نظریه اقتصادی: این گروه از نظریه پردازان دگرگونی در رفتار خانواده را به کمک عوامل اقتصادی و نهادی تبیین و در وهله نخست بر تغییراتی تأکید میکنند که در بازار کار رخ داده اند [۸]. این نظریه ها بر این امر تأکید دارند که رفتار افراد در اجتماع تحت تأثیر عوامل و شرایط اقتصادی و الگوهای اقتصادی به خصوص تحلیل هزینه ها و منافع است [۲۹]. از نظریه های اقتصادی مهمی که تبیینی در خصوص افزایش سن ازدواج ارائه داده اند، عبارتند از: نظریه هزینه های ازدواج، نظریه هزینه های ازدواج، فرضیه جذابیت اوپنهایمر و انگاره اروپایی [۸].

نظریه جامعه شناختی: نظریه های جامعه شناسی به منزله نظریه های هنجاری در تحلیل افزایش سن ازدواج به تبیین تغییرات حاصله در خانواده در زمی نه ارزشها، خواسته ها و انتظارات میپردازند. نظریه پردازان این دسته از نظریه ها در تحلیل خود در زمی نه تحول سن ازدواج بر سکولاریزاسیون، فردگرایی، اهمیت روبه رشد استقلال و خودمختاری و ایدئولوژی های جدید در رابطه با نقشهای جنسیتی تأکید دارند. نظریه ارزش های فرامادی گرایینگلهارت،

نظریه قابلیت دسترسی، امکان پذیری و مطلوبیت ازدواج دیکسون و نظریه سرمایه انسانی انگلند، فارکاس و اوپنهایمر جزء این نظریه‌ها هستند [۸]. از منظر نادینگز، که یکی از فمینیست‌های معاصر است، تعلیم و تربیت عصر حاضر عمدتاً مردگرایانه است و بیعدالتی در نظرهای آموزشی رو به گسترش است. لذا زنان برای دستیابی به عدالت آموزشی باید به موانع آن، از جمله ازدواج‌های زودهنگام، غلبه کنند [۳۲]. در دیدگاه نادینگز، جامعه و محیط‌های تربیتی نباید استقلال فردی و هویت زنان را خدشه‌دار کند [۲۳].

نظریه جمعیت شناختی: در میان نظریه‌های جمعیت‌شناسی مرتبط با ازدواج، نظریه گذار جمعیتی دوم مهم‌ترین نظریه است. نظریه گذار جمعیتی دوم بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به‌ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) بر افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار یکدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغیر داده و در نتیجه باعث کاهش سن ازدواج شده‌اند. بنابراین، طبق نظریه گذار جمعیتی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات انجام گرفته در تشکیل خانواده است [۸].

نظریه نوسازی: از منظر این نظریه، جوامع سنتی نیز از پیامدهای مدرنیته در امان نبوده و با ورود مدرنیته، این جوامع نیز تحت مفروضات و آموزه‌های مدرنیته واقع می‌شوند. با توجه به اینکه جامعه ایران نیز جامعه‌ای سنتی است، ورود مدرنیته بر خیلی از آموزه‌های سنتی و دینی آن، از جمله ازدواج زودهنگام و بهنگام، تأثیر منفی گذاشته است. با توجه به اینکه نسل جوان نیروی سازنده جامعه است و سازندگی، پیشرفت و تعالی جامعه به تلاش و همت این قشر از جامعه بستگی دارد، باید کوشش کرد دغدغه‌های ذهنی و مشکلات آن‌ها برطرف شود. دانشجویان دانشگاه‌ها، به خصوص دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به عنوان نسل جوان مشکلات متعددی دارند که یکی از مسائل مهم آنان ازدواج دیرهنگام است. همچنین، از نظر روان‌شناسی در دوره جوانی سه واقعه مهم، یعنی تحصیل، اشتغال و ازدواج، رخ می‌دهد و جوانان برای غلبه بر مشکلات در هر زمینه به راهنمایی نیاز مبرم دارند [۷].

براساس گزارش شورای عالی جوانان (۱۳۸۳)، گرایش جوانان به تشکيل خانواده به نحو چشمگیری نسبت به قبل کمتر شده است. تا آخر در ازدواج و تشکيل خانواده آثار سو فراوانی برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت. مهمترین اثر آن از نظر جمعیت شناختی ایجاد دگرگونی در الگوهای زاد و ولد است. کاهش فراگیر باروری در کشورهای مختلف از جمله ایران، بیشتر نتیجه ازدواج در سنين بالاتر است [۱۳]. علاوه بر این، ازدواج افراد در سنين بالاتر میتواند ساختار خانواده، تعامل اعضای آن با یکدیگر و الگوهای رفتاری افراد خانواده را از طریق دگرگونی در چرخه زندگی خانوادگی متأثر کند [۱۵].

با توجه به گرایش روزافزون دختران به تحصیل در مقطع آموزش عالی و تأثیر آن بر پدیده تأخیر در ازدواج، ضروری است تا در یک مطالعه علمی به واکاوی دیدگاههای افراد درگیر در موضوع پرداخته شود. البته انجام این مطالعه از دو جنبه نظری و کاربردی نیز حائز اهمیت است: از بعد نظری، به منزله یک مطالعه کیفی، میتواند در جهت شناخت هرچه بهتر این پدیده مؤثر باشد و از جنبه کاربردی می توان با شناخت عوامل مؤثر بر آن، آگاهی های لازم را برای از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه ازدواج دانشجویان دختر کسب کرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه ازدواج دیرهنگام، تحقیقات چندانی انجام نگرفته است و این فقدان از لحاظ روش شناختی و نمونه مطالعه شده بیش از پیش مشهود است. تحقیقات کیفی انجام شده در این زمینه خیلی محدود است و نمونه مطالعه شده هم، که دانشجویان مؤنث تحصیلات تکمیلی است، تاکنون مورد پژوهش واقع نشده اند.

در تحقیقی که عباسی شوازی [۱۳] با عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران با تکیه بر تغییرات سبک زندگی» انجام داد، نتیجه گرفت که بین متغیرهای اشتغال دختران، بالارفتن سطح تحصیلات، فردگرایی، ازدیاد ازدواج های ناموفق بین اطرافیان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، بالارفتن سطح خواسته ها و انتظارات و بیاعتمادی اجتماعی که از مؤلفه های سبک زندگیاند و افزایش سن ازدواج دختران رابطه معناداری وجود دارد.

در تحقیقی که میری [۱۷] با عنوان «بررسی و نگرش علل کاهش ازدواج در دانشگاه در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند» انجام داد، مهمترین علل کاهش ازدواج در دوران دانشجویی

رامسائل اقتصادی، نداشتن امنیت در آینده، نداشتن شناخت کامل از طرف مقابل و نداشتن تطابق فرهنگی بین دو خانواده بیان کرده است.

در مطالعات داخلی نیز، پژوهشها بر نقش سطح تحصیلات بر گرایش به ازدواج زود هنگام اشاره دارد. مانند: مطالعات آبرفت [۱]، نیکمنش و کاظمی [۲۱]، اسکندری چراتی [۳]، رفاهی و همکاران [۱۱] و میرسندسی و همکاران [۱۶].

موسوی (۱۳۸۲) به مطالعه کمی - کیفی در زمینه موانع ازدواج دختران پرداخته است. مطالعه وی نشان داد که اغلب دختران جامعه ایرانی در امر ازدواج تقریباً با موانع مشابهی (پیدانکردن فرد مناسب؛ مخالفت و سخت‌گی ری خانواده با خواستگاران یا فرد مورد نظر دختر و داشتن تجربه شکست در رابطه قبلی چه به صورت عقد، نامزدی یا دوست‌پسر) مواجه‌اند [۲۱].

لورنس و ایکاماری [۳۱] در مطالعه خود با عنوان «تأثیر آموزش عالی بر زمان بندی ازدواج در کنیا» به این نتیجه دست یافتند که تحصیلات عامل افزایش سن ازدواج است. عباس زاده و نیکدل [۱۴] در پژوهشی با عنوان مطالعه بسترهای زمینه ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، زمینه‌های فردی و فرهنگی اجتماعی را از عوامل دخیل در سن ازدواج دختران عنوان می‌کند. شوئن و چونک^۱ (۲۰۰۶) معتقدند که انصراف از ازدواج با عواملی چون: افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه‌های نژادی مرتبط است [۳۴]. ماسک دونالد هیول در ۱۹۴۴ در پژوهشی با عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج» یکی از عوامل مهم و مؤثر را تحصیلات عالی زنان می‌داند که با تأخیر ازدواج همبستگی نشان می‌دهد [۲۲].

گیبسون و دیویس [۲۷] بیان می‌کنند که بخش وسیعی از «انصراف از ازدواج»، حداقل آن بخشی که در میان محرومان اقتصادی رخ می‌دهد، انصراف از ازدواج واقعی نیست. آن‌ها در مصاحبه‌ای که با تعدادی از زوج‌های دارای فرزند به عمل آوردند، سه عامل مسائل مالی، کیفیت و دوام ارتباط و ترس از طلاق را به منزله موانع ازدواج برشمردند.

کانگهارن و مایترا [۲۶] در مطالعه خود با عنوان «اثر آموزش بر زمان ازدواج و تولد اول در پاکستان» به ارتباط میان آموزش و سن ازدواج تأکید کردند.

گودکایند [۲۸] در تحلیل الگوهای سن اولین ازدواج مردان و زنان در ویتنام اشاره می کند که از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی بر اثر تغییرات اقتصادی - اجتماعی و آشفته گی هایوقایع سیاسی رو به ضعف نهاد. وی یکی از عوامل مهم مؤثر بر سن ازدواج را توسعه سیستم آموزش می پندارد!

تایلرو گلین^۲ (۱۹۷۶) نشان دادند که با بالا رفتن تحصیلات زنان، انگیزه ازدواج کاهش می یابد و اسپریچر و همکاران (۱۹۹۴) نیز یافته مشابیهی را ذکر میکنند. این پژوهشگران در تبیین این یافته اظهار می دارند در گذشته زنان برای امرار معاش نیازمند مردان بودند. ولی با گسترش تحصیلات عالی بین زنان و برخورداری از موقعیت اقتصادی - اجتماعی، آن ها وابستگی اقتصادی کمتری پیدا

صکردند والچی^۳ (همین ۲۰۰۹) امر در میتواند پژوهش ی بانگیزه کم زنا عنوان « بررسی علل تحصیل کرده بر تأخیر ای ازدواج ازدواج را جوانان توجیه ایران کند ی [ب-۱۹]. ه ایگلا یون نتیجه رسیدند که میزان تحصیلات و سابقه کار بر سن ازدواج زنان اثرگذار است و یکی از علل تأخیر سن ازدواج برای مردان عوامل اقتصادی و بیکاری بود. در حالی که برای زنان این امر بر عکس بوده و به میزانی که زن ها میزان تحصیلات بالاتر یا سابقه کار بیشتر داشته باشند، ییا در حال حاضر مشغول به تحصیل باشند، تأخیر بیشتری در سن ازدواجشان مشاهده می شود. این نکته نشان می دهد که ات خیر سن ازدواج در این دسته از زنان، نه اقتصادی، بلکه بیشتر ساختاری و به منظور دنبال کردن اهداف زندگی بوده است [۱۰].

۱. Robert Schoen & Yen-Hsin Alice Cheng

۲. Tyler & Galin

۳. Egle, & Salehi

بررسی پژوهشهای انجام گرفته نشان می دهد که در حالت کلی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و جمعیتشناختی از عوامل اصلی ازدواج دیر هنگام دختران است و پژوهشمستقلی در باب تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات

تکمیلی دانشگاه‌های کشور انجام نگرفته و این امر می‌تواند ابعاد پنهان و تجربیات درونی زندگی این افراد را به روش پدیدارشناسی آشکار کند.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش کیفی پدیدارشناسی استفاده شده است. پدیدارشناسی به دنبال مطالعه پدیده‌ها و معنا‌های پنهان موجود در زندگی انسان‌هاست [۲۴]. هدف از تحقیق پدیدارشناسانه توصیف تجربیات زندگی به همان شکلی است که در زندگی واقع شده‌اند.

استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) فنومنولوژی را عملی میدانند که هدف آن توصیف پدیده‌های خاص یا ظاهر چیزها و تجربیات زندگی است [۴]. کانون توجه پدیدارشناسی تجربیات زندگی است، زیرا این تجربیات هستند که معنای هر پدیده را برای هر فرد می‌سازند و به فرد می‌گویند که چه چیز در زندگی او و نزد وی حقیقی و واقعی است [۲]. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) انجام شد. روش مزبور شامل توصیف پدیده مورد نظر از سوی محقق، کنارگذاری پیش فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکتکنندگان، قرائت توصیف‌های شرکتکنندگان، استخراج جوهرها، پیدا کردن روابط اساسی و کسب تأیید آنان، مرور متون مربوطه و انتشار یافته‌هاست [۲]. جامعه پژوهش حاضر شامل دانشجویان دختر دانشگاه تبریز است. نمونه هدفمند این تحقیق ۲۲ نفر از دانشجویان دختر است. پس از مصاحبه با دانشجویان دختر دانشگاه تبریز، داده‌ها به اشباع رسیدند؛ یعنی هیچ اطلاعات جدیدی حاصل نشد. برای نمونه‌گیری از دانشکده‌های متفاوت به شرح جدول ۱ مصاحبه به عمل آمده است. در جدول ۱ به مشخصات شرکتکنندگان پژوهش اشاره شده است.

در پژوهش حاضر، برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و با توجه به اینکه در مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته قصد محقق نفوذ به لایه‌های عمیق ذهن مصاحبه‌شونده و کسب اطلاعات حقیقی است، سوالات دیگری هم از بطن پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان تدوین شدند. در این مطالعه، از راهنمای مصاحبه استفاده شد. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۱۵ تا ۴۵ دقیقه به طول

انجامید. مصاحبه ها به صورت تک نفری انجام پذیرفت که خود این موضوع موجب شد مصاحبه شونده احساس کند اطلاعات او را فرد دیگری نمی شنود. بنابراین، بهراحتی نظر خود را پیرامون مباحث مطرح شده بیان می کرد. در این مطالعه، مصاحبه ها ضبط شدند. در ابتدای هر جلسه، مصاحبه گر اطلاعات دموگرافیک افرادی که هنوز ازدواج نکرده اند (نام و نام خانوادگی، سن، تحصیلات) را میپرسید و سپس در مورد چگونگی مصاحبه و اهداف پژوهش حاضر توضیح می داد. همچنین به شرکت کنندگان اطمینان داده می شد که متن مصاحبه کاملاً محرمانه خواهد ماند و در توصیف و تحلیل نهایی نامی از شرکت کنندگان برده نخواهد شد.

جدول ۱. مشخصات شرکت کنندگان پژوهش

شماره	سن	میزان تحصیلات
۱	۴۲	دکتری
۲	۳۲	کارشناسی ارشد
۳	۳۳	دکتری
۴	۲۵	کارشناسی ارشد
۵	۲۹	کارشناسی ارشد
۶	۳۰	کارشناسی ارشد
۷	۲۷	کارشناسی ارشد
۸	۳۲	دکتری
۹	۳۵	دکتری
۱۰	۳۰	دکتری
۱۱	۴۴	دکتری
۱۲	۳۵	کارشناسی ارشد
۱۳	۲۹	کارشناسی ارشد
۱۴	۳۰	کارشناسی ارشد
۱۵	۳۲	کارشناسی ارشد
۱۶	۲۸	دکتری

کارشناسی ارشد	۲۶	۱۷
دکتری	۲۹	۱۸
دکتری	۳۸	۱۹
کارشناسی ارشد	۳۴	۲۰
کارشناسی ارشد	۲۵	۲۱
دکتری	۳۸	۲۲

به منظور رسمی و قانونی کردن رضایت مصاحبه شونده‌گان برای شرکت در مصاحبه، از هریک از آنان یک موافقت نامه شفاهی اخذ شد. در عین حال که پژوهش عمیق و سؤالات نیمه ساختاریافته بود، سؤالات در جهت رسیدن به سؤال اصلی تدوین شدند. سؤال اصلی پژوهش از مصاحبه شونده‌گان عبارت بود از اینکه: شما به عنوان فردی که هنوز ازدواج نکرده اید چه تجربیاتی از این پدیده دارید؟ از سؤالاتی که برای رسیدن به این هدف طراحی شد، می توان به موارد ذیل اشاره کرد: چه عاملی باعث شده که شما از ازدواج نکرده‌اید؟ پیامدهای منفی ازدواج دیر هنگام در زندگی شخصی تان چه بوده است؟ سعی شد سایر پرسش‌ها در جریان مصاحبه شکل بگیرد. شایان ذکر است مصاحبه شونده‌گان آزاد بودند هر زمان که اراده کنند از مصاحبه انصراف دهند. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پژوهش براساس جمع آوری اطلاعات از طریق سؤالات و محورهای انتخاب شده ممکن شد. برای رعایت مراحل پژوهش پس از مصاحبه، سخنان ضبط شده از سوی مصاحبه‌گر به دقت به متن نوشتاری تبدیل شد تا محال کدگذاری انجام گیرد و جملات و عبارات و نقل قول‌هایی که به درک تجربه افراد از پدیده دلالت می‌کردند، مشخص شدند. در این مرحله، ۱۰۲۵ کد بناسایی شد. در مرحله بعد، آزمون‌گر از عبارات مهم برای دسته بندی معانی، که به دستیابی به زیرمضمون‌ها (زیرخوشه‌ها) منجر می‌شد، استفاده کرد. این زیرمضمون‌ها نیز برای نوشتن آنچه شرکت کنندگان تجربه کرده‌اند در پوشش مضمون‌ها (خوشه‌ها) استفاده شد. در نهایت، مضمون‌ها در پوشش محدوده وسیع تری به نام حیطه قرار داده شدند. به منظور تفسیر و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده روش استرابت و کارپتر استفاده شد. استرابت و کارپتر فنومنولوژی را عملی می‌دانند که هدف

آن توصیف پدیده های خاص، ظاهر چیزها و تجربیات زندگی افراد است. روش مزبور شامل توصیف پدیده مورد نظر از سوی محقق، کنارگذاری پیشفرض های محقق، مصاحبه با شرکت کنندگان، قرائت توصیفهای شرکت کنندگان، استخراج جوهره ها، پیدا کردن روابط اساسی، نوشتن توصیفی از پدیده ها، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌هاست [۲]. جهت صحت و استحکام داده‌ها در پژوهش حاضر از چهار معیار مقبولیت، قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقالپذیری استفاده شد. برای افزایش مقبولیت و اعتبار داده‌ها از شیوه م صاحبه فردی نیمه ساختاریافته استفاده شد و حداکثر تنوع در انتخاب شرکت کنندگان لحاظ شد. مصاحبه‌های کدبندیمشارکت کنندگان به خودشان بازگردانده شد و آن‌ها کدهای انتخابی را مطابق تجربیات خودشان یافتند. همچنین از روش بازبینی هم تراز نیز استفاده شد و ۸۵ درصد از کدهای استخراج شده و مضامین پیشنهادی مورد توافق افراد بود.

یافته های پژوهش

از تحلیل مصاحبه های شرکت کنندگان، پنج مضمون اصلی ذیل حاصل شد که در ادامه به آنها اشاره میشود:

۱. اقتصاد

یکی از عوامل اساسی تأخیر در ازدواج جوانان ناسازگاری نی ازها با شرایط محیط و ضعف در مدیریت اقتصادی جامعه است و چالش برانگیزترین موضوع در تبیین مسئله سن ازدواج، اثر درآمد است. نکته حائز اهمیت در این رابطه، ماهیت متغیر درآمد است. یکی از مضامین اصلی که از تحلیل مصاحبه ها به دست آمد، نقش اقتصاد و مسائل ناشی از آن در ازدواج زودهنگام بود. شرکت کنندگان عواملی همچون فقدان درآمد کافی، افزایش بیکاری، سختی تهیه مقدمات زندگی نظیر جهیزیه و برگزاری مراسم ازدواج را از مشکلات اقتصادی خود بیان کردند. فقدان درآمد کافی: یکی از عواملی که می تواند در ازدواج دیرهنگام دختران دخیل باشد فقدان درآمد کافی پسران است. نقل قول یکی از شرکت کنندگان:

خواستگاری‌های من مستقل نیستن. عقیده من بر اینه که فردی که از نظر مالی وابسته خانواده پدرش باشه، اگر به هر دلیلی حمایت از جانب خانواده شوهرم قطع بشه، این شخصه جوری می تونه به خانواده رو بچرخونه (شرکت کننده شماره ۲۱).

یکی دیگر از شرکت کنندگان بیان می کند:

نبودن درآمد کافی خواستگارهام مشکلیه که ازدواج من رو به تأخیر انداخته. مثلاً دو ماه پیش به خواستگار داشتم توی کافی نت کار می کرد. اون هم تو یه مغازه اجاره ای که آخر ماه فقط ۳۰۰ هزار تومن از درآمدش می موند. نه واقعاً شما قضاوت کنید، ازدواج با کسی که همین شرایطی داره درسته؟! (شرکت کننده شماره ۱۳).

بیکاری: بیکاری پسران در ازدواج نکردن یا تأخیر در ازدواج دختران مسئله ای تأثیرگذار است. یکی از شرکت کنندگان در این زمینه می گوید:

با اینکه توی فامیلمون پسرهای بااخلاق و باایمانی هست که خواستگاری می آن، ولی چون بیکارن، بابام اجازه نمی ده ازدواج کنم. درضمن، حق با پدرمه. من چه جوری با یک شخص بیکار که حتی نمی تونه خرج خودش رو دربیاره ازدواج کنم (شرکت کننده شماره ۱۶).

شرکت کننده دیگر معتقد است:

اکثر خواستگاری‌هایی که دارم تحصیل کرده و بیکارن. خانواده‌هاشون که می آن خواستگاری، بابام میپرسه پسترون شغلش چیه، درآمدش از کجاست، می گن راستش پسرمن تحصیلاتشتموم شده دنبال کاره توی فلان آزمون شرکت کرده. متأسفانه یک نفر می خواستن، پسر من رو قبول نکردن. تا زمانی که کار پیدا کنه، خرجش رو ما می دیم (شرکت کننده شماره ۷).

تهیه مقدمات اولیه زندگی: شرکت کنندگان در پژوهش، ناتوانی والدین در تهیه مقدمات زندگی، از جمله جهیزیه و برگزاری مراسم اولیه ازدواج را یکی از دلایل تمایلنداشتن به ازدواج در این سنین بیان میکنند: نقل قول یکی از شرکت کنندگان بدین شرح است:

موقعی که واسه من خواستگار میاومد وضعیت مالی پدرم خوب نبود. پدرم با یک بهانه دپکه خواستگارهام رو رد میکرد. ولی دلیل اصلیش این بود نمی تونست جهیزیه من رو تهیه کنه (شرکت کننده شماره ۲۲).

شرکت کننده دیگر نیز معتقد است:

ما سه تا خواهریم. پدرم کارگر ساختمونه. خواهر بزرگ ترم ۲۸ سالشه. نامزده و من ۲۵ سالمه و مجردم. برای من که خواستگار می آد، خانواده م قبول نمیکنن. می گن

بذار جهازخواهرت رو جور کنیم، اون رو بفرستیم خونه خودش، بعدش تو ازدواج کن. میگن ما نمی‌تونیم برای دوتا دختر همزمان جهاز بخریم. اون هم با این وضع اقتصادی جامعه. اما نظر من اینه کهخواستگارا منتظر نمی‌شن (شرکت کننده شماره ۴).

۲. تحصیلات

از آنجا که تحصیلات عالی برای دختران فقط معنای آموزشی و حرفه‌ای ندارد و یک معنای مهم اجتماعی دارد، دختران می‌کوشند با توسل به آن موقعیت اجتماعی خود را در رابطه با خانواده و اطرافیان و جامعه ارتقا بخشند. برخی دختران آموزش را به ابزاری برای گسترش آزادیهای فردی و تثبیت «خودمختاری» و «فردیت جدید» خود تبدیل می‌کنند. درواقع، این گروه تأخیر در ازدواج را مثبت ارزیابی میکنند. از منظر آنها، «تأخیر در ازدواج به مثابه فرصت‌سازی» است و ازدواج امکان ارتقای اجتماعی آنها را کاهش می‌دهد و تحقق بسیاری از آرزوهای آنان را با مشکل مواجه می‌کند. این نگرش عمدتاً محصول رویکرد برابری جنسیتی و فمینیسم است. البته چنین نگرشی به ازدواج، که فقط کارکردهای منفی از ازدواج را متصور شود، از منظر پارادایم دینی و اسلامی پذیرفتنی نیست. در رابطه با گرایش به تحصیلات بالا، که یکی از علل ازدواج دیرهنگام است، شرکت کنندگان به دو مضمون فرعی نقش بازدارندگی ازدواج برای ادامه تحصیل و داشتن جایگاه اجتماعی خوب شناسایی شدند که در ادامه به ذکر مضمونها و نقل قول‌ها اشاره می‌شود.

نقش بازدارندگی ازدواج برای ادامه تحصیل: مهم‌ترین نیازی که پیش از ازدواج با ید با محیط فرد سازگار شود وضعیت اشتغال اوست. بنابراین شغل در سن ازدواج بسیار موثر است.

همان‌طور که اوپنهایمر می‌گوید، افراد معمولاً زمانی ازدواج میکنند که ی‌قین داشته باشند از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند و چون افراد نمیتوانند تا سنین معینی مثلاً بیست تا سی سالگی درآمد کافی داشته باشند، نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند. یکی از شرکت کنندگان در این زمینه می‌گوید:

من درس و تحصیل را تنها هدفم قرار داده بودم. فکر می‌کردم اگه ازدواج کنم، دیگه نمی‌تونم ادامه تحصیل بدم یا اون کار و شغل دلخواهم رو داشته باشم. برای همین

ترجیح می‌دادم که ازدواج رو عقب بندازم. اصلاً به این فکر نکردم اگه ازدواج کنم، باز هم میتونم ادامه تحصیل بدم (شرکت کننده شماره ۸).

جایگاه اجتماعی: برخی شرکت کنندگان امید به دستیابی به منزلت و جایگاه اجتماعی بالاتر از طریق مدارج بالای تحصیلی را در ازدواج دیر هنگام خود عامل اساسی میدانند. نقل قول یکی از شرکت کنندگان بدین شرح است:

من ۳۲ سالمه. الان در آموزش و پرورش مشغول کارم. من از زمانی که دانش آموز مدرسه بودم، خواستگار داشتم. اما خانواده هم به دلیل اینکه می‌خواستن من ادامه تحصیل بدم و جایگاه اجتماعی خوبی داشته باشم، به خواستگارهام پاسخ منفی می‌دادن. مامانم می‌گفت دخترم باید درس بخونه خانم دکتر یا خانم معلم بشه. الان که نگاه می‌کنم، متوجه می‌شم که بهترین‌خواس تگاراها هم اون‌ها ایی ب‌ودن که دوره کارشناسی داشتم. این روزها من متأس فانه خواستگاریایی برام پیدا میشن که بیش از یک دهه از من مسنترن و ترجیح میدم مجرد بمونم تا اینکه از سر اجبار و بدون علاقه ازدواج کنم (شرکت کننده شماره ۸).

۳. فرهنگ

نقش خانواده‌ها در ازدواج فرزندان، شامل آماده سازی فرزندان برای ایفای نقش‌های جنسیتی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی، تمهید شرایط تا حد امکان برای ازدواج، تشخیص بهموقع نیاز فرزندان برای ازدواج، اهمیت دادن به همه ابعاد رشد فرزندان و محدود نکردن آن‌ها در رشد علمی و پذیرش فرد جدید به عنوان عضو جدیدی از خانواده و حمایت‌گری‌های بعدی است. روایت‌های شرکت کنندگان در بحث گروهی حاکی از آن است که فاصله‌گیری خانوادها از نقش حمایت‌گری و فقدان تصمیم به موقع والدین در مورد ازدواج فرزندان و بی‌توجهی آن‌ها به عرف معمول جامعه، زمینه بی‌رغبتی جوانان به ازدواج را افزایش می‌دهد. از تحلیل مصاحبه‌های شرکت کنندگان دو مضمون فرعی سخت‌گیری بیش از حد والدین و اعتقاد به سنت‌ها و باورهای نادرست اجتماعی نظیر ازدواج دختر کوچک‌تر بعد از دختر بزرگ‌تر به‌دست آمد که در ادامه به ذکر مضمون‌ها و نقل قول‌ها اشاره می‌شود.

سخت‌گیری بیش از حد والدین: برخی از شرکت کنندگان فرهنگ حاکم بر خانواده و نقش‌حاکمیتی پدر و مادر بر تصمیم‌گیری‌های فرزندان را از عوامل ازدواج دیر هنگام عنوان می‌کنند.

نقل قول یکی از شرکت کننده‌ها بدین شرح است:

بابای من خیلی سختگیری می‌کنه. با شغل آزاد مشکل داره و مادرم هم به خاطر چشم و همچشمی با فامیلون. مثلاً مامانم می‌گه دخترعموت با دکتر ف. د ازدواج کرده، حالا تومی خوی من رو توی فامیل سرافکنده کنی و با یک مغازهدار ازدواج کنی. تو چیت از دخترعموت کمتره (شرکت کننده شماره ۱).

شرکت کننده دیگر در این زمینه می‌گوید:

اکثراً آشنایی من با خواستگارهام توی دانشگاه اتفاق می‌افتاد و هرکدوم از یک نقطه کشور بودن. برای همین خانواده م مخالفت می‌کردن. مثلاً به یکی ش می‌گفتن راهش خیلی دوره، فرهنگش با فرهنگ ما فرق میکنه. اخیراً هم یکی بود اون هم با این بهانه که خانواده ش رو نمی‌شناسیم بریم جای غریب چطور تحقیق کنیم چه جور آدمی هستن، رد کردن. در کل خانواده من اجازه نمی‌دن با جای دور ازدواج کنم (شرکت کننده شماره ۱۰).

سنت های نادرست اجتماعی: شرکت کنندگان پژوهش برخی از سنت های نادرست مرسومدر اجتماع، نظیر اعتقاد به ازدواج دختر کوچک تر بعد از دختر بزرگ تر، را یکی از عوامل دخیلدر ازدواج دیرهنگام قلمداد می‌کنند. نقل قول یکی از شرکت کنندگان:

من دختر کوچک خانواده هستم. با وجود اینکه خواستگارهایی با شرایط بهتر دارم، ولیبراساس سنتهای قدیمی که اول باید خواهر بزرگتر ازدواج کنه بعد خواهر کوچک تر، بههمین خاطر من مجبورم به احترام سنتهای قدیمی منتظر بمونم تا خواهر بزرگ ترم ازدواجکنه. در صورتی که خواستگارهایی که شرایط بهتر دارن از ازدواج با من منصرف میشن (شرکت کننده شماره ۱۲).

یکی دیگر از شرکت کنندگان نیز می‌گوید:

مادر و پدرم تا یه خواستگار برام می‌اومد میگفتن که باید اول خواهر بزرگتر ازدواج کنه. چند سال از عمر من سر این چیزها تلف شد و برای همین سنم بالا رفت. حالا هم که خانواده م خیلی دغدغه ازدواجم رو ندارن، می‌گن خودت مستقلاً می‌خوای چه کار که ازدواج کنی (شرکت کننده شماره ۱۹).

و شرکت کننده ای دیگر می‌گوید:

راستش ازدواج های ناموفق در بین اطرافیانم باعث شده از ازدواج کردن بترسم. یکی ش دخترعموم با یه پسر که تاحدودی مورد اعتماد همه بود ازدواج کرد. الان دخترعموم یه بچه‌داره، شوهرش معتاده. زندگی ش خیلی داغونه. هر وقت من رو می‌بینه، می‌گه خوش به حالتکه تنها مسئول خودتی. من با یه بچه نمی‌دونم چی کار کنم. ولی من اعتقادم

اینه که اونحداقل تو زندگیش یکی رو داره و در آینده بچه ش و شوهرش، ولو شوهر معتاد، همدم روز های تنهایی ش خواهند بود (شرکتکننده شماره ۲).

۴. فضای مجازی

اینترنت در حال دگرگون کردن سیمای زندگی روزمره جوامع، به ویژه در میان قشر جوان، است. جاذبه اینترنت باعث شده بسیاری از جوانان به جای تعاملات و دوستی های رودررو به سمت دوستی ها و روابط اینترنتی کشیده شوند. **لذت طلبی ها و کامجویی های بدلی:** اینترنتی شدن روابط اجتماعی در جامعه امروز ایر-شوند. به طرز ناباورانه ای بیان کننده این واقعیت است که گپ و گفته ها و مراودات دوستانه در دنیای مجازی با تغییرات اجتماعی و ساختاری در حال تبدیل شدن به فرهنگی پذیرفته شده است. به واسطه این شکل جدید از ارتباطات در جامعه ما، برخی محدودیت های فرهنگی که در گذشته در خصوص ارتباط با جنس مخالف وجود داشته از بین رفته است و افراد از فرصت و امکان بیشتری برای ارتباط با یکدیگر برخوردار شده اند. این مسئله به ویژه از طریق اینترنت و با چت کردن از طریق ایمیل، یاهومسنجر، شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک یا وبگاه های دوست یابی و همسریابی و تلگرام و... عمق بیشتری گرفته است. یکی از شرکت کنندگان در این زمینه می گوید:

من با یکی از همدانشکده ای هام آشنا شده بودم. از طرز رفتارش فکر میکردم قصدش ازدواجه. وقتی حرف ازدواج رو مطرح کردم، متوجه شدم قصد اون فقط دوستیه. میگفت چرا وقتی می شه راحت با چند نفر دوست بود و لذت برد و مسئولیت نداشت، بریم و خودمون رو به یکی محدود کنیم، ازدواج کنیم، مسئولیتمون زیاد می شه (شرکت کننده شماره ۹).

یکی دیگر از شرکت کنندگان نیز می گوید:

به نظر من، یکی از عوامل اصلی عدم تمایل به ازدواج گسترش شبکه های مجازی هستن. تجربه شخصی من نشون می ده اطمینان چندانی برای پیدا کردن شریک زندگی خوب و قابل اعتماد وجود نداره. خیلی از افرادی که در شبکه های اجتماعی درخواست دوستی و ارتباط بامن رو داشتن، عمدتاً افراد متأهل بودن. این امر من رو برای ازدواج واقعاً نگران می کنه.

چهارمینی وجود دارد که شوهر آینده من نیز از این بی اخلاقی ها نکنه (شرکت کننده شماره ۹).

معاشرت های آزاد و بی بند و باری پسران و دختران: گسترش معاشرت های آزاد که با

هدف ازدواج نیست، موجب تأثیرات منفی بیشتری در کیفیت ازدواج برای هر دو جنس، بهخصوص دختران، می شود. شرکت کننده های میگویند: من در کلاس زبان با پسری آشنا شدم و در حال حاضر باهاش در تماس هستم. به مناظهار علاقه کرده و تا دو سال آینده به من قول ازدواج داده و من با اینکه خواستگارهای زیادی با شرایط خوب دارم و والدینم میگویند چرا این خواستگاراها با این شرایط خوب رو رد می کنی، نمی تونم بگم من با یک شخصی آشنا شدم و بهش علاقه مندم می خوام در آینده باهاش ازدواج کنم. من الان موندم سر دوراهی که به یکی از خواستگاراها جواب مثبت بدم یا منتظر باشم اون پسری که بهش علاقه مندم شرایطش بهتر بشه (شرکت کننده شماره ۵). شرکت کننده دیگری نیز می گوید:

من چند مورد خواستگار هم داشتم گفته چند ماهی باهم باشیم تا همدیگر رو بشناسیم. اما من می گم هرکاری آداب و رسومی دارد و باید ازدواج سنتی و از طریق خانواده باشه. برای همین خیلی از خواستگاراها رو از دست دادم. البته هیچ پیشمون نیستم (شرکت کننده شماره ۱۷).

شرکت کننده های دیگر نیز بر این اعتقاد است:

من از این روش هایی که دختر و پسر باهم قول و قرار ازدواج میذارن بدون اینکه با خانواده هاشون در میون بذارن خوشم نمی آید؛ چون بیشتر مواقع خانواده ها مخالفت می کنن و اصل ازدواج منتفی می شه و دختر و پسر از نظر روانی بیشتر آسیب می بینن (شرکت کننده شماره ۱۴).

۵. عواقب و پیامدهای ازدواج دیر هنگام

در رابطه با عواقب ازدواج دیر هنگام شرکت کنندگان، شش مضمون فرعی اضطراب، زندگی، وانهادگی، افسردگی، حالت بلاتکلیفی، از دست رفتن طراوت و

زیبایی و مشکلات فرزندآوری و پیشناسایی شد که در ادامه به ذکر مضمون ها و نقل قول ها اشاره می شود:

اضطراب تنهایی: اکثر مصاحبه شوندگان در زندگی شان به وجود نوعی اضطراب در زندگی خودشان اشاره کرده اند که از آن میتوان به اضطراب تنهایی اشاره کرد. یکی از شرکت کنندگان بیان داشته:

از سن ۲۱ سالگی برام خواستگار می اومد، ولی وقتی برام خواستگار می اومد با پرس وجو از اعتیاد پدرم مطلع می شدن و از ازدواج من منصرف می شدن. من خواستگارهام رو به دل یل اعتیاد پدرم از دست دادم. من سه ساله که دیگه هی چکس به خواستگاری م نیامد و شدیداً از این امر ترس دارم. من نکنه در آینده تنها باشم (شرکتکننده شماره ۲۰).

نقل قول شرکت کننده دیگر چنین است:

الان بلا تکلیف مونده م نمی دونم در آینده چه باید بکنم. چه برنامه ای برای زندگی خود با ید داشته باشم. همیشه که نمی شه در خونه پدر و مادر زندگی کرد. حیات اون ها هم پا یانی داره.

هرچند دوست دارم همیشه پایدار باشن (شرکت کننده شماره ۱۵).

وانهادگی: از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده این افراد عمدتاً احساس وانهادگی و تنهایی می کنن د. وانه ادگی ای ن اف راد از اختی ار در تص میمگی ریش ان ناش ی م ی ش ود. یک ی از شرکت کنندگان بیان می دارد:

چون خودم خواستگارهام رو جواب منفی بهشون دادم و همه شون رو به اخت یار خودم رد کردم، الان هیچ مسئولیتی رو متوجه خانواده م نمیدونم و خودم مسئول تصمیمات خودم هستم.

احساس میکنم وانهاده شدم و باید خودم خودم رو نجات بدم (شرکت کننده شماره ۱۸).

افسردگی: اکثر مصاحبه شوندگان در پژوهش به وجود افسردگی و حالت اف سردگی اشاره داشتند که میتوان ریشه آن را در تأخیر در ازدواج و فدا کردن ازدواج برای ادامه تحصیل دانست. یکی از شرکت کنندگان اعتقاد دارد:

احساس میکنم خیلی بی عرضه م. اعتماد به نفسم کم شده. به خودم میگم تو واقعاً همونی که قبلاً اینقدر با حوصله بودی و همه ازت تعریف می کردن؟! الان حتی نمی تونم زندگی م رو نگه دارم. زود حرف مردم رو به دل میگیرم. وقتی کسی پیش من می گه

فلانی این قدر سندهاره هنوز ازدواج نکرده، احساس می‌کنم به من تیکه
میاندازه. شدیداً احساس افسردگی می‌کنم (شرکت کننده شماره ۱۸).

نقل قول شرکت کننده دیگر بدین شرح است:

مدتی که حالات خاصی رو پیدا کرده م که قبلاً دچار اون نبوده م. دچار افسردگی
شده‌م رغبتها و لذتها کاهش پیدا کرده و دچار بی حالی و بی خوابی و بی اشتها
شده م. ما ازدواج با موقعیتهای بهتر رو فدای درسی کردیم که به جز بیکاری چیزی برامون
نداشت (شرکت کننده شماره ۲۱).

و نقل قول شرکت کننده دیگر که معتقد است:

من دیگه قبول کردم که دختر مجرد در این مملکت جدی گرفته نمی شه. براش
هویت قائل نیستن. شخصیت مستقل نداره و در جمع های خانوادگی هم هر
چقدر دانا و تحصیل کرده باشی و موفق هم باشی، باز هم جدی نمیگیرن و این یکی از
عوامل بیرونی بودن من در خوابگاه (شرکت کننده شماره ۶).

خودکم بینی: افراد با ازدواج های دیر هنگام به دلیل مقایسه مداوم شرایط بدنی خود
با ویژگی های جسمانی نوجوانی و اوایل جوانی احساس خودکم بینی را در حد بالایی از
خود گزارش می دهند. نقل قول یکی از شرکت کنندگان چنین است:

من وقتی به عکسهای ۶۵ سال پیش نگاه می‌کنم، واقعاً دیگه
اون زیبایی و طراوت صورت من نمونده. چین و چروک صورتم زیاده شده. درکل اون
جذابیت دخترونه از صورتمرفته. دیگه کسی نمیآد با یک فرد پزمرده ازدواج کنه.
خاله م من رو به یکی معرفی کرده همسن خودم بود. قبل اینکه حضوری من رو ببینه
خیلی برای ازدواج با من عجله داشت. تاومد من رو دید، اصلاً رفت دیگه برنگشت (شرکت کننده شماره ۳).

مشکلات فرزندآوری: پدیده باروری روندی طبیعی در موجودات زنده است که در

انسان علاوه بر جنبه های فیزیولوژیک، ابعاد اجتماعی و روانی نیز دارد؛ به
نحوی که یکی از اهداف افراد از ازدواج و تشکیل خانواده، باروری و تولید مثل است. تولد
نوزاد می تواند بنیان خانواده را تحکیم بخشد، نیاز عاطفی افراد را مرتفع کند و در نهایت
موجب تجدید و تداوم نسل شود. یکی از شرکت کنندگان عنوان می کند:
من این قدر خودم رو غرق درس و تحصیل کردم و خواستگارم رو رد کردم، یه زمان متوجه
شدم ۳۰ سالم شده. فرصت ازدواج کم شده. الان هم به این فکر می‌کنم ازدواج کنم، بچه

دار نشم یا بچه من امکان داره عقیمونده باشه یا حوصله بازی کردن و سر و صدای اون ها رو نداشته باشم (شرکت کننده شماره ۳).

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی ازدواج دیر هنگام

مضمون اصلی	مضمون فرعی
اقتصاد	فقدان درآمد کافی، بیکاری، تهیه مقدمات اولیه زندگی
تحصیلات	نقش بازدارندگی ازدواج برای ادامه تحصیل، جایگاه اجتماعی
فرهنگ	سختگیری بیش از حد والدین، سنت های نادرست
فضای مجازی	لذتطلبیها و کامجوییهای بدلی، معاشرتهای آزاد و بی بند و باری پسران و دختران
پیامدها	وانهادگی، اضطراب تنهایی، افسردگی، خودکم بینی، مشکلات فرزندآوری

بحث و نتیجه گیری

به رغم وجود گرایش های فردگرایانه در انسان، جمع گرایی و گرایش به اجتماع گرایشی قوی تر در انسان است و انسان ها با فعالیت هایی نظیر تدوین قوانین مشترک، تشکیل اجتماعات و ازدواج به تقویت این گرایش اقدام می کنند [۲۵]. با وجود اینکه ازدواج عملی ارادی مبتنی بر علائق طرفین است و مبنایی تاریخی در همه ادیان آسمانی دارد، کیفیت ازدواج، نحوه ازدواج، دوام آن و رضایت از آن با تغییر جوامع و نگرش های فلسفی حاکم بر آن ارتباطی تنگاتنگ دارد [۳۳].

امروزه، اهمیت ازدواج بر هیچ کس پوشیده نیست، اما متأسفانه در سال های اخیر این مسئله به منزله یکی از معضلات اجتماعی مطرح شده است. در گذشته بسیاری از دختران بلافاصله پس از سن بلوغ ازدواج می کردند و راهی خانه بخت می شدند، اما امروزه به دلایل بسیاری سن ازدواج جوانان، به خصوص دختران، افزایش پیدا کرده است [۱۸]. شرایط اقتصادی جامعه از جمله هزینه های سنگین زندگی، سخت گیری های خانواده ها نظیر مهریه و بالا، داشتن مسکن مستقل، مراسم پرهزینه ازدواج و همچنین تغییر نگرش اجتماعی به ارتباط دختر و پسر و نیز علاقه مندی دختران به تحصیلات و داشتن مدرک دانشگاهی و فراهم شدن بیشتر امکان حضور آنان در بازار کار موجب بالا رفتن توقع آنان شده و سن ازدواجشان را به تأخیر انداخته است.

طرز تفکر و تلقی از همسان گزینی در ازدواج موجب شده بسیاری از دختران تحصیل کرده باوجود تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی مناسب، از یافتن شریک زندگی خود باز بمانند و

بافزایش ورودی دختران به دانشگاه‌ها و بیشترشدن نسبت دختران در ترکیب جنسیت‌دانشگاه‌ها، ازدواج دختران تحصیل کرده با پسران تحصیل کرده با مشکل مواجه می‌شود. دختران تحصیل کرده تمایل دارند با پسران تحصیل کرده ازدواج کنند، اما از آنجا که ورودی دختران در دانشگاه‌ها بیش از پسران است، دختران تحصیل کرده بیشتری نسبت به پسران تحصیل کرده وجود دارند و آنان با مضیقه ازدواج روبه‌رو می‌شوند که موجب محدودتر شدن دایره همسرگزینی آن‌ها می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و تکنولوژیکی از عوامل مهم تأخیر در سن ازدواج دختران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر است. بررسی نظریه‌های ازدواج دیرهنگام هم تقریباً با این یافته‌ها همسو است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در کنار نظریه‌های اقتصادی، جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی و نوسازی می‌توان نظریه فضاهای ریزوماتیک را، که برای توسعه فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مبنای پی‌ساز ساختار گرایانه دارد [۶]، اضافه کرد. فضاهای مجازی می‌تواند با تأمین فضای نامحدود و جذاب معاشرتهای اینترنتی و ایجاد فضای لذت جوی آنه ازدواج جوانان را به تأخیر بیندازد. فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با تغییر در الگوهای ارتباطی بین افراد، معاشرت‌های آزاد و بی‌بند و بار را موجب شده‌اند و افراد به دلیل روابط لذتجویانه مجازی ضرورتی برای ازدواج در موعد مقرر و قانونی احساس نمی‌کنند. مسائل اقتصادی نیز از عوامل تأثیرگذار بر ازدواج دیرهنگام است. افزایش بیکاری و مشکلات ناشی از تهیه مقدمات اولیه زندگی از دیگر عوامل ازدواج دیرهنگام دختران است. طبق نظریه اقتصادی ازدواج دیرهنگام، این امر از دو جهت سلبی و ایجابی بر ازدواج دیرهنگام تأثیرگذار است. در حالت ایجابی، دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی برای دستیابی به مدرک تحصیلی بالاتر و به تبع آن کسب درآمد مالی بالاتر ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. در حالت سلبی، موانع اقتصادی نظیر مشکلات تهیه مقدمات زندگی، بیکاری این افراد و فقدان درآمد مالی برای شروع زندگی از علل ازدواج دیرهنگام است. یافته‌های پژوهش‌های گودکایند (۱۹۹۷)، ایگل و صالحی (۲۰۰۹) و گیبسون و دیویس (۲۰۰۵) نیز مسائل اقتصادی را از دلایل ازدواج دیرهنگام برمی‌شمارد. مطابق یافته‌های کانگهارن و مایترا (۲۰۰۱)، اصلی‌ترین عامل تأخیر در سن ازدواج دانشجویان پاکستانی، مسائل اقتصادی و بحرانهای اقتصادی است.

براساس یافته های این پژوهش، یکی دیگر از دلایل تأخیر در سن ازدواج، سال هایی است که صرف تحصیل می شود. عده ای از دختران به دلیل رسیدن به جایگاه اجتماعی بالاتر و برخی نیز با نگرش محدودکننده بودن ازدواج برای تحصیل و ارتقای علمی از ازدواج سر باز می زنند . یافته های پژوهش های مک دونالد هیول (۱۹۹۴)، لورنس و ای کاماری (۲۰۰۵)، فرگوسن تایلرو گلین (۱۹۷۶)، رفاهی و همکاران (۱۳۸۹)، میرسندسی و همک اران (۱۳۹۰) و دیگ ران نی ز ب نقش تحصیلات تکمیلی بر ازدواج نکردن یا تأخیر در ازدواج دختران ت آکید دارند. یافته های پژوهش کانگهارن و مایترا (۲۰۰۱) نشان میدهد که بین سطح آموزش و تأخیر در سن ازدواج همسویی وجود دارد. دخترانی که زودتر ازدواج کرده اند و ازدواجهای زودهنگام داشته اند عمدتاً دخترانی بوده اند که سطح تحصیلات پایین تری داشته اند. گودکایند (۱۹۹۷) نیز بر همبستگی مثبت بین سطح تحصیلات و تأخیر در ازدواج تأکید میکند. به تناسب افزایش تحصیلات و تخصص، علاقه مندی زنان جهت حضور و احراز شغل در جامعه افزایش مییابد. از سوی دیگر، با توجه به نگرش عموم و بهویژه زنان، مبنی بر لزوم بالاتر بودن جای گاه شوهر نسبت به زن در خانواده، زنان شاغل زمان بیشتری برای رسیدن به هدف مذکور در انتظار برای تشکیل خانواده سپری خواهند کرد که موجب تأخیر در سن ازدواجشان میشود. اما باید توجه داشت که با افزایش سن افراد، به همان نسبت نیز شانس ازدواج کاهش مییابد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که آداب و رسوم، طبقه اجتماعی و سنت های اجتماعی و خانوادگی از دیگر موانع ازدواج و عامل ازدواج دیرهنگام است. شکاف نسلی بین والدین و فرزند ان به رغم گسترش رسانه های اجتماعی و شبکه های اجتماعی کماکان وجود دارد. خیلی از موانع ازدواج یا اقدام به ازدواج زودهنگام را می توان در مسائل فرهنگی جامعه جستجو کرد. سختگیری والدین برای ازدواج فرزندان و رسوم و سنت های اجتماعی غلط موجود در جامعه مثل ازدواج به ترتیب فرزندان، تصمیم گیری والدین به جای فرزندان و ازدواج های صرفاً درون فامیلی و قبیل های را میتوان از این موانع برشمرد. پژوهش های موسوی (۱۳۸۲) و رفاهی و همکاران (۱۳۸۹) نیز بر نقش سنت های نادرست اجتماعی بر ازدواج های دیرهنگام تأکید دارد. عباس زاده و نیکدل (۱۳۹۵) نیز کل یشه های رایج

تعریف کننده همسر خوب و چارچوب هنجارها را از عوامل تأخیر در ازدواج دختران برمی شمارند.

تجربیات روایت شده دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر بیانگر آن است که ازدواج نکردن در سنین پایینتر برای این دانشجویان پیامدهای نامطلوبی داشته است. چون این افراد عمدتاً با اراده و اختیار خود به خواستگاران نشان پاسخ مثبت نداده اند و از طرف خانواده و والدین عمدتاً به تعیین سرنوشت خود از طرف خودشان محکوم اند و به عبارتی وانهاده شده اند. این امر در بروز اضطراب و افسردگی در این افراد تأثیرگذار است. این افراد در مقابل انتخابهایی که داشته اند باید مسئول و پاسخ گو باشند. اضطراب اینکه شاید در آینده تنها بمانند و نتوانند زوجمناسی را در فقدان پدر و مادر اختیار کنند یا بچه های سالم تری به دنیا بیاورند همیشه در وجودشان هست. پژوهش های موسوی (۱۳۸۲) و گیبسون و دیویس (۲۰۰۵) نیز به برخی از این اضطراب ها در این افراد اشاره دارد. از منظر گیبسون و دیویس سطح اضطراب افرادی که ازدواج ه ای دیرنگام دارند نسبت به دیگر افراد بالاتر است، زیرا این افراد عمدتاً در تصمیم گیری هایشان انفرادی عمل کرده اند. اگرچه با تغییر در سبک زندگی جوامع وجود پدیده هایی نظیر ازدواج دیرنگام دور از انتظار نیست، با اتخاذ تدابیری نظیر تغییر در نگرش جوامع نسبت به ازدواج، ارتقای سطح فکری و فرهنگی خانواده ها، بهبود وضع اقتصادی خانواده ها و شناخت صحیح و استفاده صحیح از فضاهای مجازی و آسیب شناسی آن ها می توان این پدیده را به حداقل رساند و از آسیب های اجتماعی ناشی از آن در امان ماند.

منابع

- [۱] آبرفت، حکیمه (۱۳۸۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۲] ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۹۰). روش های تحقیق کیفی، تهران: بشری.
- [۳] اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آتد خیر سن ازدواج در ایران با آتد کید بر استان گلستان»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، س ۴، ش ۳، ص ۲۵۱.

- [۴] امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نبیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ سعید نوری، علی (۱۳۹۱). « روششناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی »، فصل نامه پرستاری و مامایی جامعنغر، دوره ۲۲، ش ۶۸، پاییز و زمستان. ص ۵۶-۶۳.
- [۵] ایمان زاده، علی؛ علیپور، سربه (۱۳۹۵). «تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زود هنگام»، فصل نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، دوره ۸، ش ۳۰، ص ۳۱-۴۶.
- [۶] ایمان زاده، علی؛ سجادی، سید مهدی (۱۳۸۶). « چالش های اساسی تربیت دی نی در فضای ریزوماتیک»، فصل نامه علمی پژوهشی روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۳، س ۴، زمستان، ص ۱-۲۰.
- [۷] جه ان س یر، خس رو (۱۳۸۴). «عوام ل تعی ینکنن ده ازدواج دانش جویی و ت اثیر آن ب ر ک اهش ناهنجاری های اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه»، دانش و پژوهش در روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ش ۲۳، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- [۸] حبیب پور کتابی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، ش ۱، بهار، ص ۷-۳۴.
- [۹] خجسته مهر، رضا؛ محمدی، علی؛ عباس پور، ذبیح الله (۱۳۹۵). « نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج»، نشریه روان پرستاری، دوره ۴، ش ۲، ص ۲۰-۲۷.
- [۱۰] رضادوست تبریم؛ ممینی، ایمان (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل»، دو فصل نامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۱، ش ۱، ص ۱۰۵-۱۲۲.
- [۱۱] رفاهی، ژاله و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه ای ملاک های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون»، تازه ها و پژوهشهای مشاوره، دوره ۹، ش ۳۳، ص ۷-۱۳.
- [۱۲] گرامیان، بهروز (۱۳۸۷). «خانواده ایرانی در هزاره سوم»، هفته نامه ارغوان، دوره ۱۶، ش ۱، ص ۱۵-۲۳.

- [۱۳] عباسی، پریسا (۱۳۹۵). «بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران با تکیه بر تغییرات سبک زندگی»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، س ۲، ش ۳، ص ۳۳-۵۹.

- [۱۴] عباس زاده، محمد؛ نیکدل، نرمین (۱۳۹۵). «مطالعه بسترهای زمینه ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، ش ۴، ص ۵۱۶-۴۹۳.
- [۱۵] محمودیان، حسین (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان» پایان نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۵۳-۲۷.
- [۱۶] میرسنده، سید محمد؛ محمدی قلعه سفیدی، مصطفی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصل نامه فرهنگی دفاعی زنان و خانواده، س ۵، ش ۱۷، ص ۱۷۹-۲۰۴.
- [۱۷] میری، محمدرضا (۱۳۷۶). بررسی نگرش و علل کاهش ازدواج در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی بیرجند در سال ۱۳۷۴ / نخستین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان دولتی - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- [۱۸] محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: انتشارات دارالحديث.
- [۱۹] محمدی، سعید و همکاران (۱۳۸۳). «عوامل روانشناختی مرتبط با مجرد جانبازان مؤنث»، فصل نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۳، ش ۲۱، ص ۲۸۸-۳۰۱.
- [۲۰] محبی، فاطمه؛ سیاح، مونس؛ حسینی، شیماسادات (۱۳۹۵). «دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجوی»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۷۴-۲۵۱.
- [۲۱] نیکمنش، زهرا؛ کاظمی، یحیی (۱۳۸۵). «علل و راه حل های تأخیر در ازدواج جوانان»، فصل نامه علوم تربیتی و روان شناسی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، ش ۵، ص ۴۹-۷۷.
- [۲۲] هیول، مکدونالد (۱۳۸۸). «بررسی علل افزایش سن ازدواج»، ویژه نامه علمی استانداری ملازندان.
- [۲۳] Addams, J., LeBar, L., & Noddings, N. (۲۰۱۴). *Influence on Education. Foundations of Education: A Christian Vision*, ۳۰. *Christian Women and Their*
- [۲۴] Cerbone, D. R. (۲۰۱۴). *Understanding phenomenology*. Routledge.
- [۲۵] Cherlin, A. (۲۰۰۹). *Marriage, divorce, remarriage*. Harvard University Press.
- [۲۶] Gangadharan, Lata & Pushkar Maitra (۲۰۰۱). *The Effect of Education on the Timing of Marriage and First Birth in Pakistan*. February.

- [۲۷] Gibson-Davis, C. M. (۲۰۰۹). "Money, Marriage, And Children: Testing The Financial Expectations And Family Formation Theory", *Journal of Marriage and Family*, ۷۱, PP ۱۴۶-۱۶۰.
- [۲۸] Goodkind, D. (۱۹۹۷). "The Vietnamese Double Squeeze". *International Migration Review*, ۳۱, ۱, PP ۱۰۸-۱۲۷.
- [۲۹] Kabeer, N. (۲۰۰۷). *Marriage, motherhood and masculinity in the global economy: reconfigurations of personal and economic life*. Center for Global, International and Regional Studies.
- [۳۰] Knox, Davidw & Caroline Schacht (۲۰۰۵). *Choices in Relationships*, Thomson Learning. Inc. Thomson Wadsworth, ۱۰ David Drive Belmont, CA ۹۴۰۰۲۳۰۹۸ U.S.A.
- [۳۱] Lawrence, D. & E. Ikamari (۲۰۰۵). The Effect of Education on the Timing of Marriage in Kenya Max-Planck-Gesellschaft.
- [۳۲] Noddings, N. (۱۹۹۲). "Social studies and feminism", *Theory & Research in Social Education*, ۲۰(۳), PP ۲۳۰-۲۴۱.
- [۳۳] Strong, B., & Cohen, T. F. (۲۰۱۳). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage Learning.
- [۳۴] Strong, Bryan (۲۰۰۸). *The Marriage and Family Experience*. Thomson Higher Education, ۱۰ Davids Drive, Belmont, C.A. ۹۴۰۰۲-۳۰۹۸.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی